

CARPET PLUS

ماهنامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine

"کارپت پلاس" / شماره ۶- بهمن ماه ۱۳۹۸



آقای مجید اکبری

طراح فرش



CARPET PLUS

دوهفته نامه اینترنتی فرش دستباف
Iranian Visual carpet Magazine



کارپت پلاس

مجله اینترنتی فرش دستباف ایران
سال نخست / زمستان ۹۸ / شماره ۶

سردبیر: مریم طاهری تفرشی
دبیر تحریریه/مدیر هنری: مهدیار پیرزاده
مدیر اجرایی: فرزانه مرادی
تحریریه: گروه نویسندگان
طراحی: آتلیه گروه سپنج
سازمان تبلیغات و آگهی ها: ۰۹۱۲۶۹۳۵۲۹۱

- [۵] سرمقاله | مریم طاهری
- [۸] تار | جعفر قلی دادخواه
- [۹] پود | مرحوم اکبر جامه طحاف (جامی)
- [۱۰] معرفی | مصطفی فرمانی - هنرمند رنگرز
- [۱۳] گفتگو | مجید اکبری
- [۲۱] مقاله | نقوش هندسی (گردونه مهر)
- [۳۵] تجلیل | استاد محمود فرشچیان
- [۳۹] آشنایی با قالی محرابی صفویه
- [۴۲] جوایز هنری

www.thecarpetplus.ir | thecarpetplus

این مجله رایگان است و رایگان خواهد ماند.

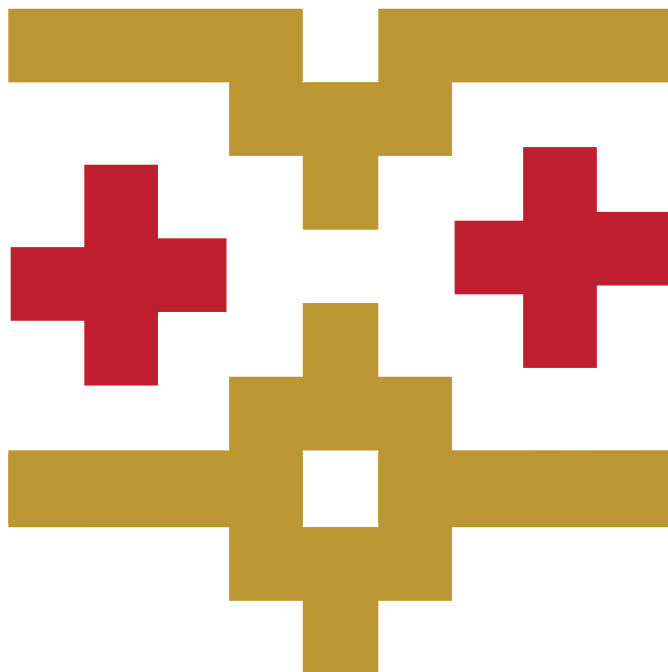
لازمه ی استفاده از مطالب و تصاویر این نسخه، به هر شکل و ترتیبی منوط به اخذ مجوز از "کارپت پلاس" است و نقض آن پیگرد قانونی دارد.

همچنین هرگونه بارگذاری محتوایی این مجله بر روی اپلیکیشن های موبایل و فروش پی دی اف این مجموعه ممنوع است.



من به تار غم تو
و به پود دل خویش
گلی از عشق نشاندم
به کویری تشنه...
و به جان بافته ام
فرش تمنای تو را
کو قدمت؟! ...

#مهناز-م



این ششمین شماره "کارپت پلاس" است که
مقابل دیدگان شما پهن می شود.
تار و پود و رج به رج این مجله با شما و برای
شما شکل می گیرد.

ما را از نظریات ارزشمندتان بی نصیب نگذارید.

همچنین بخش بازرگانی " کارپت پلاس " آماده
پذیرش آگهی های تجاری و تبلیغاتی شما خواهد
بود. به زودی طرح های توسعه ی تجاری و
مارکتینگ کارپت پلاس از طریق مجله، شبکه
های اجتماعی و وبسایت مجموعه به اطلاع شما
عزیزان خواهد رسید

من به آمار زمین مشکوکم .
تو چطور؟
اگر این سطح پر از آدمهاست
پس چرا این همه دلها
تنهاست؟



این روزهای سرد ، سرد ،
باعث شد که غم و درد از
همه وقت بیشتر در جانمان
رخنه کند . همیشه فصل
پاییز که می شد عاشقانه به
استقبالش می رفتم و این فصل
برایم شروع زندگی است گر چه
خودم متولد شهریور هستم اما شاید زندگی
از یکماهگیم شروع شده از بوی پاییز از باران
پاییز و برگهای زرد و قرمز زیبایی پاییز ...
اما امسال پاییز برایم دردناک شد . مهربان مهر
نورزید و آبان برایمان رنج و نگرانی پیش آورد
که هیچگاه از یادمان نخواهد رفت .

دوست ندارم که ماه های سال را با خاطرات
بدش به یاد بسپارم اما بعضی دردها رفتی نیست
و ناخودآگاه وقتی به روزهایش نزدیک می شوی
ضربان قلبت بیشتر می شود این روزهای آبان
و دی و ... همه و همه هی بر روی هم می آیند
و خبری از شادی نیست خصوصا که این روزها
در حین عزاداری برای دوستان پر کشیده در
آسمان ، خبری دیگر از تمام شدن ایرانی بودنم
شنیدم ، خبری از جنس درد...
خبر اجرای تفاهم نامه دانش فنی فرش به کشور
دوست و همسایه قطر!!!

با اینکه من دیگر کارمند شرکت فرش نیستم اما
زمانی که شرکت فرش را می فروختند گریستم
و تا جایی که می شد با نامه نگاری فریاد زدم به
مثابه بردگانی شده بودم که در حراج بازارهای





برده فروشی دندانهایشان و سلامتیهایشان را می‌دیدند و قیمت می‌گذاشتند و می‌خریدند. هیچ کس مهارت را نمی‌خرید آدم را می‌خرید. شرکت فرش را اینگونه خریدند مهارت و سابقه و اینکه چرا و به چه عنوان تاسیس شد نگاه نکردند و هنرش را نخریدند اما در و دیوار و زمینش را خریدند. حال فرقی نمی‌کند که این شرکت چه ریشه‌ی هنری در خانواده‌های ایرانیان دارد. قالیبافانی که با رنج و دستانی کوچک پشت درهای بزرگ خمیده شده‌اند برای چه بوده؟؟ دستانی که بارنگهای سبز و آبی و قرمز در پاتیل های رنگ و کنار آتش سوخته شده‌اند و رنگ پوستشان برگشته و جای ترک‌های دستشان هرکدام به رنگی تبدیل شده است. یا دستان پینه بسته رفوگری که با مهارت فرشی را ترمیم می‌کند. طراح و نقاشی که شبانه روز می‌نشیند و به تصویر می‌کشد آیینش را و سبک‌هایی که برایش در هر منطقه به نام مردمان شهر و روستا ثبت شده؛ ماهی خوی، سه‌گلی بیجار، قزل‌گز ترکمن، مود بیرجند، بته و محرمات قم، شکارگاه اصفهان، شاه‌عباسی کاشان، گل‌فرنگ تبریز، خاتم شیراز، جل‌اسبهای زیبای قشقای و ترکمن و نمکدان‌ها و خورجین‌های عشایر، مینا خانمی ورامین، سه‌حوضی قشقای، سرو کاشمر، گل‌پتوی فرادنبه، شاخه شکسته هریس، خشتی و باغی بختیاری، سبزی کار رفسنجان، قاب قرانی و قندیلی کرمان، افشان مشهد، شیرو شکری و بازوبندی تهران، هندسی جوشقان، مستوفی، ضل‌السلطان و محرابی و گنبد شیخ صفی، تخت جمشید، طاق بستان، طاق کسری و زیرخاکی‌ها... آیا همه‌اش برای امرار معاش بوده؟ در هیچکدام از این طرح‌ها



و به ایتالیا و رم سفر می کنند و از موزه ها اجازه دریافت می کنند تا بتوانند ساعاتی روبروی اثر هنری بنشینند و آموزش بصری ببینند و از مطالب متخصصین در این امور هم در همان محل بهره می برند مثل موزه لسور که در بعضی از روزها و در هر قسمت آن به مثابه یک کلاس درس تئوری و عملی است و هنرجویان خارجی با بوم و کاغذ و قلم در حال طراحی می باشند و یا دانشجویان خارجی در دانشگاه های آنجا مشغول تحصیل هنر هستند. به این وسیله هم دانشگاه هایشان پذیرش دانشجویی می گیرند (که البته ما دانشگاه هایمان را تعطیل کردیم و دیگر دانشجوی فرش نمی گیریم و یا خیلی کم)

و هم توریست های هنرمند به کشورشان می آیند و هم استادان تجربی و عملی به آموزش می پردازند و باعث گردش مالی برای کشور است. وقتی هنرجویی از خارج به کشور می آید برای یادگیری هر مرحله از هنر باید مبالغی را بپردازد که جویای هنرش است اینطور که تفاهمنامه با کشوری امضا می شود که ما تمامی آموزش را ببریم در کشور دیگر تدریس کنیم و دانشگاه و مدرسه بزنیم که چه سودی دارد. باید استاد طراح را هم ببریم، استاد نقاش و استاد رنگرز و قالیباف و ... را هم ببریم خوب در اینصورت باز هم فرار مغزهاست البته اینبار فرار دستان و فکر هنرمند است و دیگر اینکه نام فرش بزودی از ایران رخت بر می کند و با این اوضاع ایران که در تنش منطقه ای هستیم و همه درگیر مسائل دیگر و هنر و هنرمند همیشه دریاچه خزر و ساخت بادگیرهای یزد و نام خلیج پارس باید برای نام فرش که با ایران گره خورده با کشورهای دوست! مجادله کنیم و دست آخر بمانیم و ببینیم شیر بی یال و دم را ...

به حرمت دستان و چشمها و پشت های خمیده هنرمندان به هر بهایی هنرمان را نفروشیم



و نقش ها فرهنگی به عظمت تاریخ نبوده ؟ اگر اینطور است چرا همه این کار سخت را رها نکردند و بروند سراغ کار تجاری و خرید و فروش و کارهای دیگر جز عشق و علاقه چیز دیگری بود؟!

علتش این است که همواره همه مسولین و دست اندرکاران ، فرش را یک کالای تجاری محسوب می کنند. وقتی درباره فرش می خواهند صفتی را عنوان کنند اول می گویند صنعت فرش در صورتی که فرش در اول صنعت نبود و نیست. اول هنر بوده و هست. ما به هنر آن افتخار می کنیم نه به صنعت. همه کشورها می توانند صنعت خود را به کشورهای دیگر بفروشند نه هنرشان را. کجای دنیا دیده شده که کسی آموزش هنرش را به کشورهای دیگر بفروشد؟؟ در تمام دنیا رسم این است که جویای هنر و دانشجویان برای یادگیری آن به کشور زادگاه آن هنر می روند و از آنجا دانش را فرا می گیرند مثل هنرمندان نقاش و مجسمه ساز دنیا که برای کپی برداری از نقاشی ها و مجسمه های لئوناردو داوینچی سختی را متحمل می شوند





استاد
جعفرقلی دادخواه

متاسفانه با وجود اینکه در هنرستان شاگرد اول دوره شده بودند و در آن زمان شاگردان نمونه را برای ادامه تحصیل بورسیه می کردند و به فرانسه می فرستادند اما ایشان بدلیل عوض شدن مدیریت مجموعه و مخالفت با وی نتوانستند آن بورسیه را دریافت کنند و پس از اتمام دوره هنرستان و گرفتن دیپلم هنری خود یک آتلیه برپا نمودند و مشغول به کار شدند. ایشان ۴ فرزند داشتند که دو فرزند ایشان در سالیهای نوجوانیشان بر اثر تصادف درگذشتند و دو فرزند دیگرشان نیز در راستای هنر تحصیل کردند و در همین زمینه هم فعالیت دارند. استاد در سال ۱۳۸۳ از هنرستان هنرهای زیبا بعد از ۳۰ سال خدمت بازنشسته شدند. ایشان جزو اساتید پروازی دانشگاه زاهدان نیز بوده اند.

استاد دادخواه با بهره گیری از اساتید بزرگی همچون عیسی بهادری، استاد ارچنگ، استاد معمارزاده، استاد جزئی زاده و ... در رشته طراحی سنتی نقشه فرش تحصیل کردند و با آموختن و تجربه اندوزی از بازار و اساتید فن، تا آنجا در این هنر پیش رفتند که امروز یکی از اساتید مطرح طراحی سنتی فرش بشمار می روند.

سایه شان مستدام باد

جعفرقلی دادخواه دوم فروردین ماه ۱۳۲۶ در اصفهان متولد شد. ایشان بعد از گذراندن دوره شش ساله در دبستان پیشوا در محله جلفا و سپس در دبیرستان دولتی شاه عباس ادامه تحصیل دادند که یکی از معلمان ریاضی همان مدرسه مرحوم آقای احمد معمارزاده بودند و استاد دادخواه بعد از ظهرها پس از مدرسه برای کار به دفتر ایشان می رفتند و با علاقه ای که در کشیدن طرح ها از خود نشان دادند باعث شد که به توصیه استاد معمارزاده برای ادامه تحصیل از دبیرستان انصراف دهند و به هنرستان هنرهای زیبای اصفهان وارد شوند و در زمان تحصیل برای بدست آوردن درآمد، طرح های کاشیکارها را برای استادان کپی می کردند از جمله "استاد حاج حسین مصدق زاده" که در هنرستان درس می دادند که هم باعث شد که در آمدی داشته باشند و هم دستشان در طراحی قوی شد و پروژه پایانی دوره دبیرستان را طرح زیبایی با اسلیمی های گردان با نگرش استادانه استاد بهادری انجام دادند که موجب شد وزیر وقت فرهنگ و هنر "به هنرستان آمده و از طرح بسیار استقبال کرده و دستور بافت آن را در کارگاه قالیبافی هنرستان دادند. نقشه طراحی شده توسط ایشان هنوز هم در این کلاس قرار دارد و با اینکه مربوط به ۵۰ سال پیش است اما هنوز هم به روز و زیباست و بابت آن نقشه، جایزه نقدی دریافت کردند و موجب شد اولین سفارش رسمی را برای بافت دریافت کنند.



#تار



مرحوم اکبر جامه طحاف

#پود

از فرشهائي كه به دست استاد هنرمند از خطر نابودي نجات يافت از جمله فرش بختيايي كه در فرا دنبه بافته شده و بسياري فرشهائي ديگر كه در خارج و از كشور نگهداري مي شود. ايشان ۱۴ سال در دانشگاه هنر اصفهان ، ۸ سال در دانشگاه آزاد اسلامي نجف آباد و ۵ سال در دانشكده علمي کاربردي شهيد فارسي اصفهان تدریس داشتند. استاد علاوه بر تدریس در دانشگاه ، در كارگاه خصوصي خود نیز به تربیت شاگرداني چند پرداخته اند.

اكبر جامی ساعت ۸ صبح روز هشتم آبانماه ۱۳۹۰ در يك سانحه رانندگي در ۱۵ كيلومتری نائین و هنگام عزيمت برای تدریس جان به جان آفرين تسليم نمود.

روحش شاد و يادش گرامي باد

استاد اكبر جامه طحاف (ملقب به استادجامي) يكي از اساتيد هنر مرمت فرش در نهم شهريور سال ۱۳۳۶ خورشيدی در اصفهان در خانواده اي هنر پرور دیده به جهان گشود . پدرش حسين جامه طحاف به شغل نساجي اشتغال داشت. بعد از تحصيلات دوره ابتدائي به علت عشق به هنر ارزنده مرمت فرش از محضر برادرش محمود جامه طحاف سود جست و از سن ده سالگي به اين هنر احياگر روي آورد . ايشان در سال ۱۳۵۹ ازدواج کردند و ثمره اين ازدواج دو فرزند پسر و دختر است. در سال ۱۳۶۸ رسماً از ايشان برای تدریس در دانشگاه هنر (پردیس اصفهان) دعوت به عمل و به علت تبحر و تسلطي كه به اين هنر داشت در سال ۱۳۷۷ موفق به دريافت مدرک افتخاري كارشناسي ارشد مرمت فرش نائل آمد و چهار سال بعد موفق به دريافت دكترای افتخاري در اين رشته گرديد.



معرفی یک هنرمند

گزارش: فرزانه مرادی

عکس‌ها: احسان جعفری



مصطفی فرمانی هشتم، متولد سال ۱۳۳۶ در شیراز. بنده به همراه استاد سیاحی و با ایده ایشان، رنگرزی گیاهی را از سال ۱۳۶۰ شروع کردیم و بیش از ۲۸ سال و تا زمانی که ایشان فوت کردند، با یکدیگر کار کردیم. البته هنوز هم این کار را ادامه می‌دهیم که البته جای استاد سیاحی بسیار خالی ست.

در ابتدا مشکلات زیادی در سر راه ما قرار داشت و مسایل زیادی پیش آمد تا بتوانیم رنگرزی گیاهی را مطرح کنیم. صبح‌ها حدود ساعت ۵ صبح می‌آمدیم و تا حدود ۵ بعد از ظهر کار می‌کردیم و خداروشکر کار رنگرزی گیاهی شناخته و مورد پسند دنیا واقع شد.

تولید کارگاه در سال ۶۰ از روزی ۴۰ تا ۵۰ کیلوگرم شروع شد و تا سال ۷۰ به روزی ده هزار کیلوگرم (۱۰ تن) رسید. تا حدود سال ۷۶ بازار خوب بود اما متأسفانه به مرور زمان تولید کم شد و به روزی دو تن سه تن و الان هم به روزی صد کیلوگرم رسیده است.



تنوع در رنگ های گیاهی به چه صورت است؟

به لحاظ تنوع رنگی، روز به روز به تعداد رنگ ها اضافه شده است و در حال حاضر می توانیم بسیاری از رنگ ها را بوسیله رنگرزی گیاهی کار کنیم؛ اما متأسفانه بعضی از مواد گران شده است و به سختی می توان کار کرد و برای تولید کننده فرش هم صرفه اقتصادی ندارد که مواد گران را خریداری و در فرش بکار ببرد.

رنگ های خودتان را از چه موادی تهیه

می کنید؟

رنگزاهای در مناطق مختلف متفاوت هستند و هر منطقه ای برای بدست آوردن رنگ ها از رنگزای منطقه خود استفاده می کند. به عنوان مثال در فارس برای تهیه رنگ زرد از "جاشیر"، در چهارمحال بختیاری از "برگ مو" و در مشهد از "اسپرت" استفاده می کنند. رنگ قرمز از "روناس" که تن ها در منطقه یزد کشت می شود بدست می آید. برای سایر رنگ ها هم از رنگزاهایی مثل پوست گردو یا پوست انار که همه جای ایران هستند استفاده می شود. رنگ ها سلیقه ای هست اما من خودم رنگ آبی و سبز را بیشتر دوست دارم.

مراحل و روش رنگرزی گیاهی چگونه است؟

برای ثبات رنگ در رنگرزی گیاهی از روش دندانه کردن قبل از رنگرزی استفاده می کنیم. بدین صورت که الیاف را ۲۴ ساعت در زاج می جوشانیم و بعد از آن الیاف از پاتیل بیرون می آید و تمیز می شود. سپس مواد رنگزار را در داخل پاتیل می ریزیم و به مدت ۲ ساعت شیره گیری انجام می شود. پس از آن الیاف را به مدت ۶ ساعت در پاتیل می جوشانیم و به مدت ۲۴ ساعت هم داخل حمام رنگ قرار می دهیم.

از نظر زمان، رنگ های گیاهی و شیمیایی چه

تفاوتی دارند؟

از نظر زمانبندی، رنگرزی شیمیایی را می توان در دو یا سه ساعت کار کرد، اما رنگ گیاهی حدود ۴۸ در مراحل مختلف باید کار انجام شود تا آن نتیجه دلخواه بدست آید. ما رنگ شیمیایی کار نمی کنیم، اکثر کارهای ما گیاهی هستند اما بعضی رنگ ها هست که به خواست مشتری بصورت شیمیایی انجام می دهیم. البته که رنگ گیاهی سختی کار بیشتری دارد ولی ما از زحمتی که داره راضی هستیم.



رنگ های گیاهی به لحاظ ماندگاری چگونه هستند؟

از لحاظ ماندگاری، رنگ های گیاهی ماندگاری بهتری دارند چون رنگ گیاهی روز به روز در فرش براق تر شده و زیبایی بیشتری خواهد داشت اما رنگ شیمیایی به مرور رنگ خودش را از دست می دهد و محو می شود. البته رنگ های شیمیایی خوب هم هست اما کمتر مورد مصرف قرار می گیرند.

محصولات خودتان را به کجا ارسال می کنید؟

در حال حاضر محصولات ما بیشتر به بازار و شرکت های شیراز و تهران عرضه



می شود. در گذشته اکثر استان ها به اینجا می آمدند و سفارش می دادند اما در حال حاضر بدلیل هزینه های بالای حمل و نقل و نبود صرفه ی اقتصادی به اینجا نمی آیند. به عنوان مثال اگر تولید کننده از همدان اگر بخواد از اینجا سفارشات خودش را تهیه کند به ازای هر کیلو ۳۰۰۰ تومان می بایست کرایه پرداخت کند که این مسئله بر روی تولید تاثیر خوبی ندارد.

در پایان اگر صحبت خاصی دار

ید بفرمایید.

امیدوارم که کار ادامه داشته باشه، هرچند نمی شود چیزی را پیشبینی کرد.



گفتگو



آقای مجید محمدی اکبری

طراح فرش

-لطفا بیوگرافی و نحوه ورود خودتون به حوزه فرش رو برای خوانندگان بفرمایید:

اینجانب مجید محمدی اکبری فرزند کریم متولد ۱۳۳۷ شهر تبریز هستم.

دوران ابتدایی را در دبستان فیاض تبریز و متوسطه رادر دبیرستان تمدن به اتمام رساندم. در دوران دبیرستان با نقشه فرش آشنا و به آن علاقه مند شدم. با وجود آنکه کلاس خصوصی نقاشی و طراحی را نزد استاد خیابانی آموخته بودم درکلاس درس مدرسه طرح گل و مرغ تمرین می کردم به همین جهت تنبیه های زیادی را تجربه کردم. در همان سال ها خواهر بزرگترم ازدواج کرد . شوهر خواهرم طراح بود و کارگاه قالیبافی داشت .

روزی که من کارگاه قالیبافی را برای اولین بار از نزدیک دیدم از شدت ذوق نمی دانستم چه بگویم و چگونه احساس خود را بر زبان آورم همان زمان مسحور و مجذوب این هنر اصیل گشتم.

با اینکه طرح های آذربایجان را آموخته و به کار گرفته بودم برای خود سفارش هایی داشتم(دستم توجیب خودم بود)شروع کردم.

به تحقیق در طرح و رنگ فرش. به طوری که در کتاب های آن سال ها بخصوص کتاب فرش "پروفسور پوپ" را می دیدم احساس عجز می کردم چرا که من با نقشه فرش اصفهان یا کرمان وکاشان و... آشنا نبودم.



در سال ۱۳۵۷ با سفارش استاد "تبریزی" در تهران نزد مرحوم استاد "نادری" رفتم. شروع به جمع آوری اطلاعات در مورد نقشه های رنگی (رنگ و نقطه) نمودم و متوجه شدم که نقطه با قلم موی را تجربه نکرده ام و می بایست آن را یاد می گرفتم.

مرحوم نادری درمغاره تکنیک نقطه با قلم موی را به من آموخت.

با معرفی استاد نادری دراصفهان نزد "استاد ارچنگ" رسیدم، طرح هایم را ملاحظه نمود و مرا پذیرفت. تأثیرایشان بر بنده قابل توجه بود، با اینکه دو سال شاگرد استاد ارچنگ بودم اما بسیار بهره بردم.

در آن زمان انقلاب در حال شکل گرفتن بود و سرتاسر ایران اعتصاب بود اما این زمان برای من فرصتی مناسب جهت تمرین و ممارست بیشتر بود چرا که سفارش هایی که در دست داشتم درحالت معوق مانده بود. خود را مشغول کار و تحقیق شبانه روزی کرده بودم.

سبک های متفاوت نقشه در مناطق گوناگون را مطالعه و رنگ و نقطه می کردم و بدین طریق طرح های گوناگون را بررسی می کردم. در آن زمان آموخته های استاد ارچنگ را بیشتر بکار می گرفتم.

در سال ۱۳۶۳ اردیبهشت ماه برای اخذ ویزای آلمان به تهران آمده بودم. از مقابل خیابان فردوسی عبور می کردم که با مشاهده آگهی روی شیشه ی فروشگاه متوجه شدم که نیازمند طراح نقشه اند.

برای آشنایی وارد شرکت شدم مرا به اتاق مرحوم "استاد پاکدست" معرفی کردند. استاد فرمودند: زمان بازنشستگی من فرا رسیده است ولی مدیریت شرکت موافقت نمی کند مگر اینکه یک طراح همانند خویش را جایگزین کنم تا موافقت کنند.

استاد پاکدست برای شناخت از سطح کار، یک فالیچه به من سفارش دادند و ذکر کردند اگر مورد پسند شرکت واقع شود استخدام می شوی در غیر اینصورت طرح را باز می گردانند.

من قبول کردم. حدود یک ماه بعد طرح را کشیده و آن را آوردم. استاد با دیدن طرح من آن را نزد آقای "الله داد" بردند و تأیید نمودند. بلافاصله مورد تأیید مدیرعامل آقای "محمدرضاعابد" نیز واقع شد و این گونه به عضویت شرکت درآمدم.





اولین مواجهه شما با موضوع فرش و طراحی فرش از کجا آغاز شد؟

اولین مواجهه من با فرش زمانی بود که خیلی کوچک بودم و در منزلمان فرش هریس بود و چون فرش است بسیار مورد توجه من قرار گرفت و با آن اشکال بازی می کردم یعنی محور آشنایی من با فرش، طرح هریس بود که رفته رفته همین موضوع باعث شد که من به فرش های دیگر را در عوالم بچیگی توجه بیشتری کنم به پرنده ها و اسلیمی ها و گردش ها توجه می کردم و همین موضوع سر منشاء من شد و در دوران نوجوانی آنها کپی برداری کردم از روی آنها نقشه ها را در آوردم با اصطلاح نقشه ها را در آوردم و همین باعث شد که چقدر این متوجه بشم که دوست دارم و می توانم با آنها ارتباط برقرار کنم.

چه اساتیدی در حوزه طراحی روی شما تاثیر گذار بودند؟

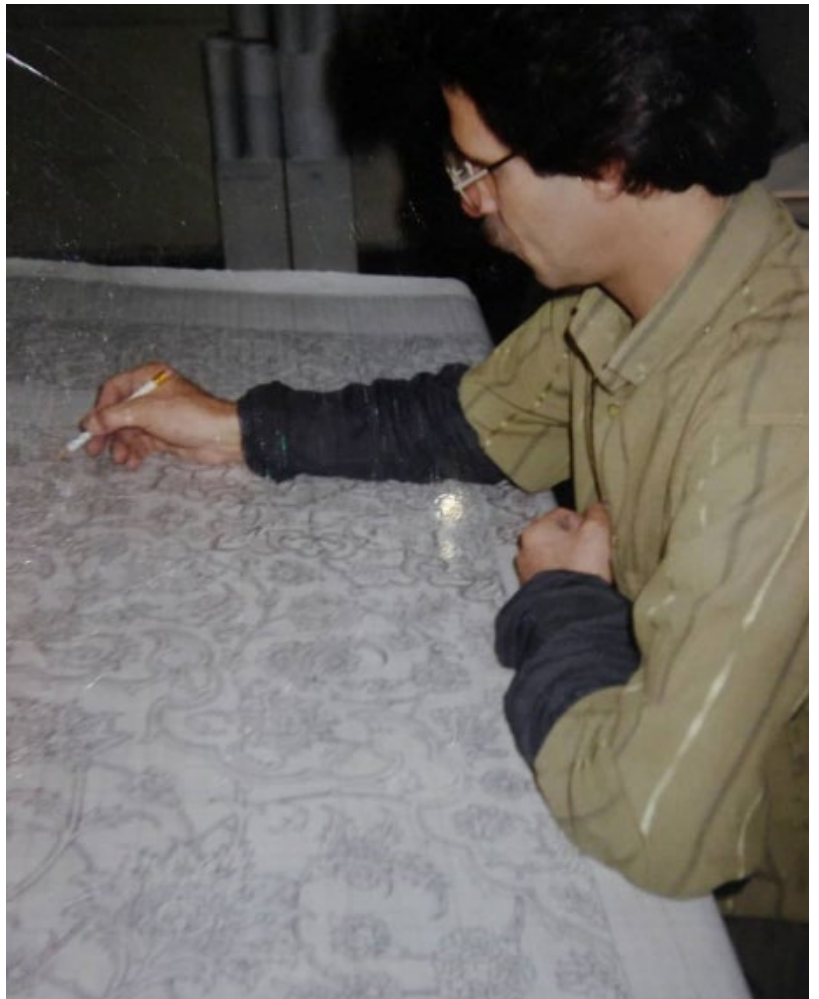
اول استاد عزیزم به نام آقای حسین تبریزی بودند که برای من بسیار زحمت کشیدند بعد از آن از استاد خیابانی خیلی ایده گرفتم و چون در بازار تبریز کار می کردم و به تمامی نقشه های منطقه و اطراف بخصوص هریس واقف شدم توجه ام به کتاب "پرسنگوف" جلب شد که طرح هایی در آن دیدم که برام تازگی داشت و آشنا نبودم و مطالعه تصمیم گرفتم که در مورد آنها تحقیق و مطالعه کنم که از استادم خواستم که من را به آن منطقه استان فارس معرفی کند. و همین گفتگویی شد که استاد ارچنگ مناطق اصفهان شد و من را به آقای دوست داشتیم استادان اصفهان را بسیار دوست داشتیم معرفی کردند که کارهایشان را بسیار دوست داشتیم که خدا روحشان را شاد بگرداند که یکسری نقوش



بودم و در ضمن این کارها من علاقه زیادی به کاشی کاری داشتم و در کارگاه کاشی کاری هم ۵-۶ ماهی کار کردم و می خواستم ببینم که آنها که از المانهای فرش در کارهایشان استفاده می کنند چگونه است و ضمن اینکه من به نقاشی بسیار علاقه مند بودم و خیلی خوب نقاشی می کردم و همین باعث شد که من در این هنر بمانم و طراحی فرش را بعنوان حرفه خودم استفاده کنم .

-به نظر شما بیشترین اثرگذاری یک فرش در طراحی آن نهفته است یا رنگ آمیزی؟

به نظر طراحی فرش همان رنگ و نقطه فرش است و این موضوع بر می گردد به بعضی مناطق مثل اصفهان که به رنگ و نقطه فرش بسیار اهمیت می دهند گرچه در مناطق آذربایجان شیوه رنگ گذاری به آنچه که اصفهان اهمیت می دهند نیست و مثل اصفهان صورت نمی گیرد در تبریز معمولا رنگ زیاد دارند و با رنگ آمیزی بسیار زیبا فرش را می بافند اما در اصفهان محدودیت رنگ است و باید با همان تعداد محدود رنگ شاهکار زیبایی را خلق کنند که هر دو منطقه با توانایی های مخصوص به خودشان این کار را انجام دادند . به نظر من رنگ و نقطه مکمل طرح است که یعنی اینطور نیست که در وحله اول شما فرشی را نگاه کنید و بگویید که فقط طرحش خوبه ، نه اینطور نیست هر دو مکمل هم هستند هر کدام از آنها نقصی داشته باشه حتما روی زیبایی فرش تاثیر مستقیمی دارد.

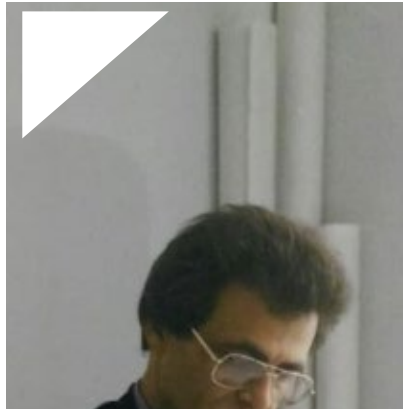


من الهام از کارهای ایشان است که خوشبختانه باعث شد که من توجه ایشان را جلب کنم و حدود دو سال افتخار شاگردی ایشان را داشته باشم و در طی این دو سال من خیلی چیزها از ایشان یاد گرفتم حالا بجز نقشه فرش از نقاشی مینیاتور هم یاد گرفتم که بدلیل اینکه استاد تجویدی هم در آن زمان پیش ایشان تشریف می آوردند من با ایشان آشنا شدم و با نقاشی مینیاتور هم ارتباط نزدیکی پیدا کردم قبل از آن من نقاشی مینیاتور را فقط در کتابها و کارت پستال ها دیده



سفارش می دهند معمولا روی رنگش خیلی نظر نمی دهند چون دوست دارند که طرحی که سفارش دادند بر مبنای ایده اصلی خودشون باشه اگر چنانچه ما بعنوان طراح پافشاری کنیم فقط می توانیم ایده خود را بر روی کاغذ اجرا نماییم بصورت اتود به آنها نشان بدهیم و اگر دوست داشتند و موافق بودند می توانیم طرح خود را با سلیقه خود برایشان اجرا نماییم . و در یکسری مواقع هم هست که تولید کننده یک طرحی رو در نظر داره و اصلا دلش نمی خواد هیچ تغییری در آن صورت گیرد. دخل و تصرف

در این مورد بر می گرده به حرفه خود طراح که اگر طراح خیلی حرفه ای باشه می تواند دخل و تصرفی برای بهبود طرح انجام بده نه اینکه واقعا کپی کاری انجام بده که این میشه ارزش دوم یعنی میشه طراحی



درجه دوم قرار می گیرد. ولی من معمولا طرح هایی که قدیمی است و احیا کننده طرح هایی که مربوط به یکسری مناطق است که غالبا هم این طرح ها را به من سفارش می دهند من معمولا ایده خاصی دارم هم در زمینه خود طرح و هم در زمینه اجرای طراحی و رنگ که با تولید کننده و سفارش دهنده در میان می گذارم که تقریبا اکثرا می پذیرند که همین هم باعث شده که ما تا امروز دوام بیاوریم توی این بازار بتوانیم با سفارش دهندگان کار کنیم که این برای ما مشوق خوبی هست.

- آیا فرشی بوده که توسط شما طراحی شده باشد ولی فرصت رنگ آمیزی آن را نداشته و به کسی دیگری واگذار کرده باشید و تمایزی بین خروجی کار مشاهده کرده باشید؟ و آیا این تجربه ها بهتر بوده یا نه؟ یعنی یک رنگ آمیزی کار شما را بهتر یا بدتر کرده باشد؟

- یادم هست که سال ۷۳-۷۴ بود که ما یک طرح گردی رو از جهاد سفارش گرفتیم که حدود ۲۰۰ متر بود و من طراحی کردم و رنگ آمیزی آن را در دفتر شخصی خودمان آن را انجام دادیم که شما هم حضور داشتید و من بعد از طراحی ایده ای برای رنگ آمیزی به ذهنم رسید که به سفارش دهنده القا کرده بودم پذیرفتن یک سری رنگ در فرش برای یک عده یک مقدار مشکله . ما این کار را با چه زحمتی اجرا کردیم اون موقع کامپیوتر برای این کار وجود نداشت . مجبور بودیم کار را روی کاغذهای بسیار بزرگ بهم بچسبانیم و در اندازه ۱ به ۱ بکشیم و سپس رنگ آمیزی انجام دهیم و آقای محمدزاده که

آن زمان همکار من بودند و مسولیت رنگ آمیزی را به ایشان سپردم که خوشبختانه کار را بسیار زیبا و به نحو احسن انجام دادند. ولی کلا اگر نقشه فرشی بخواد انجام بشه اگر طرحی که خوب باشه و رنگ آمیزی جالب و مناسبی نداشته باشه بالاخره طرح خودش رو نشون میده و خود نمایی

میکنه که طرح ، طرح قوی است برعکسش هم همینطور که اگر رنگ مناسبی باشه اما طرح ضعیف باشه مطمئنا به نقشه لطمه خواهد خورد و توی این دوره که ما می بینیم یکسری فرشها داره تولید میشه که واقعا در شان و منزلت فرش ایران نیست . متاسفانه هیچ سازمان یا ارگانی نیست که بخواد عهده دار این موضوع باشه و بخواد پیگیر این موضوع باشه .

- آیا تولیدکنندگان و سفارش دهندگان اهمیت کار شما را درک می کنند؟ و اگر احیانا تغییراتی را در طرح شما خواستار هستند مبنای اصولی دارد یا نه؟ توضیح دهید.

- تولید کنندگان معمولا وقتی طرحی رو



در خلوت خودتان طراحی های کدام ناحیه فرش ایران را دوست دارید؟

- این سوال خیلی سختی که من بتونم جوابش رو بدهم . من در این مدت تقریباً ۳۰ سالی که کار کردم اکثر مناطق را کار کردم و هر کدام از آنها شیرینی خاص خودشون رو داره . نه اینکه من چون تبریزی هستم بگم طرح تبریز رو می پسندم نه اینطور نیست هر کدام مثل میوه های فصلی می مانند که هر کدام شکل و مزه و طعم خودشون رو داره . من شخصا نمی تونم بگم کدام منطقه رو بپذیرم که کدام منطقه بر کدام منطقه ارجعیت داره . بهتره بگیم کدام مناطق الان دارن بهترین طرح ها رو ایجاد می کنند شاید این سوال بهتر باشه .

- آیا تا بحال شده طرح و رنگ چند شهر را با هم ادغام کنید و یک کار فرامنطقه ای طراحی کنید؟ و آیا مواجه تولیدکنندگان و مردم با این کار از نوع مثبت است یا منفی؟

- من اکثر کارهام به همین شکل است و همیشه سر این موضوع اثر خیلی مثبتی گرفتم چرا که ما در طراحی خودمون سعی می کنیم که بهترین کار را انجام دهیم یعنی هر کسی در حرفه خودش ای تلاش رو می کنه که بهترین کار را انجام بده . هر موقع ما بتونیم یک طرحی را از همه مناطق ادغام بکنیم البته بصورت حرفه ای با آشنایی با تمامی المانهای منطقه . در غیر اینصورت کار بصورت وحشتناکی صدمه می بیند . اگر چنانچه طراح خیلی حرفه ای باشه و بتواند در این راه اطلاعات کافی داشته باشه و بتواند این ادغام را بصورت حرفه ای انجام بده کار خیلی زیبا تر و شاخص تر هم میشه و من در بیشتر کارهام به این صورت عمل می کنم.

- به نظر شما پرترفدارترین فرش های ایران مربوط به کدام شهر است و چرا؟

- در حال حاضر به نظر من پرترفدارترین فرش های ایران برمبگرده به دو منطقه تبریز و قم . این هم بابت اینکه این دو منطقه اخیراً کارهای خاصی انجام می دهند و کارهای تکراری انجام نمی دهند . تنوعی که توی طرح و رنگشون دیده می شه مواجهه میشه با آنکه مردم یک مقدار نسبت به این فرشها ذوق بیشتری داشته باشند و علاقه بیشتری نشان بدهند البته تا جایی که من اطلاع دارم چون در داخل نمایشگاه در نمایشگاه داخلی و حتی خارجی که ما معمولا سوال می کنیم این جواب را به ما می دهند . اصفهان هم در جای خودش فرشهای خوبی داره ولی به نظرم میرسه که اصفهان باید در کارهایشان تجدید نظر کنند البته در این دوره .

- از وضعیت کنونی فرش دستباف راضی هستید؟ برای برون رفت از وضعیت حاضر چه پیشنهادات و راهکارهایی ارائه می دهید؟

- به نظر من در دوره ای که بسر می بریم فرش در رکود کامل بسر می بره و برای رهایی از آن فکر کنم یک مقداری مسئولین باید در موردش تصمیمات درستی بگیرند چون این موضوع یک مقداری بسترش در مسائل سیاسی کشور هم دخیل شده و این مارا آزار میده مثلا این تحریم هایی که بوجود آمده تحریم هایی که از طرف کشور امریکا ایجاد شده فرش ایران را یک مقدار کم رونق کرده هم در تولیدات داخلی و هم در صادرات خارجی . برای برون رفت از این موضوع هم بنظرم می رسه که الان یک پوست اندازی جهانی در رابطه با طراحی و رنگ بخصوص در فرش دارد انجام می شود

اگر چنانچه که ما بتوانیم یک نیم نگاهی به طرح هایی که در کشورهای مختلف مورد اقبال عمومی مردم قرار می گیره بیاندازیم الان من متوجه شدم یکسری فرشهایی که در آمریکا معمولاً مورد پسند مدرن اما من می گویم یکسری طرح های که بتواند از رنگ های خاموش و لایت و از رنگهایی که هماهنگی و همزنگی بهتری نسبت به دکوراسیون های امروزی دارند بخواهیم انجام بدهیم خیلی بهتر می توانیم جواب بگیریم. حتی چنانچه که با همین طرح های کلاسیک خودمون هم بخواهیم انجام بدهیم خیلی بهتر میشه بازار را مجدداً بدست بگیریم حتی با توجه به این تحریم ها خیلی بهتر میشه کار کرد بنظر من بجز مسائل سیاسی و گمرکی و اداری و بانکی و خیلی مسائلی که من واردشون نمی شوم ما باید کار خودمون رو در حله اول بهتر انجام بدهیم و هم توی رنگ هم توی طرح هم توی رنگرزی و توی بستری که مورد استفاده قرار می گیره اگر و موادی که خوب انجام پذیره موفقیت بهتر و بیشتری هنوز هم می توانیم بدست آوریم.

نقوش هندسی (گردونه مهر)



نقوش هندسی (گردونه مهر)

بشری پدیدار می‌باشد، نشان بسیاری از چیزها، همچون خوش اقبالی، خورشید، برهما یا هندوها بود. در روزگار باستان، در بین سومری‌ها، سلت‌ها و یونانی‌ها استفاده می‌شد.

در غرب، گردونه مهر عموماً با نام صلیب شکسته و به عنوان نماد نازیسم شناخته می‌شود (به خاطر آنکه به عنوان نشان حزب ملی کارگران سوسیالیست آلمان به کار می‌رفت). پس از جنگ جهانی دوم، این نماد چهره مشهوری در غرب پیدا کرده‌است.

نشان گردونه مهر جزئی از میراث فرهنگی اقوام آریایی است که از هزاران سال پیش به کار می‌رفته است. نشانه‌های آن در تروی و ایران پیدا شده است. نمونه آن گردن بندی بسیار زیبا می‌باشد که در شمال ایران یافت شده است و همچنین کاشی کاری در بسیاری از مساجد ایران که نشان از عمق اثر تعلیمات عرفانی بودیسم، در عرفان اسلامی است. مختص ایرانیان دارد.

از جمله نقوش فوق که با قدمتی دیرین و مفاهیمی اسطوره‌ای نه تنها در فرشبافی ایران بلکه در سایر هنرهای ایرانی کاربرد داشته است می‌توان به گردونه خورشید (سواستیکا)، ستاره، اشکال شطرنجی، آرایه‌های ترنجی چهار یاهشت بازویی اشاره کرد. قدمت اکثر این نقوش با استفاده از آنها در هنرهای شناخته شده است که تا به امروز، جهت مواد اولیه مصرفی ماندگاری داشته‌اند؛ به خصوص سفالینه‌هایی که تاریخ هزاره‌های قبل از میلاد را بیان می‌دارند.

گردونه مهر یک چلیپا با شاخه‌های ۹۰ درجه به سمت راست یا چپ است. که معمولاً با جهت افقی یا گوشه‌هایی با زاویه ۴۵ درجه می‌باشد. در شکل هندویی نقطه‌هایی در هر ربع آن قرار می‌دهند

گردونه مهر در تمام هنرها و طراحی‌های تاریخ

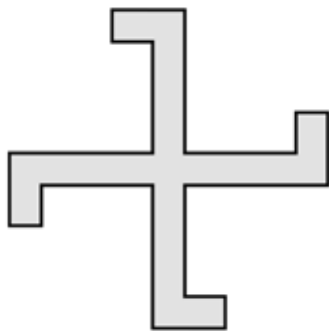
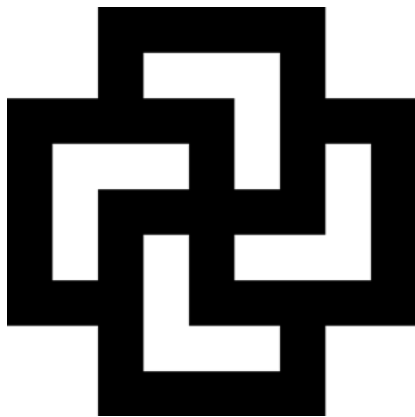
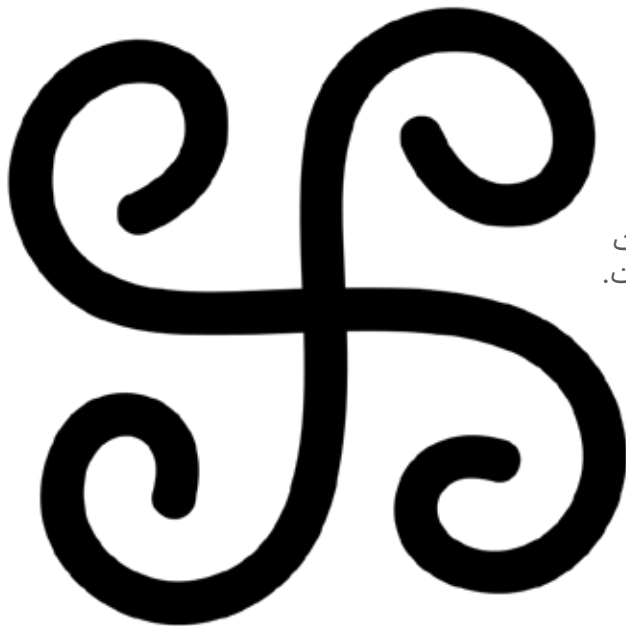
گردونه مهر یا خورشید در فرشهای فراوان به کار می آید و جالب است که بر اکثر درب های چوبی خانه های اهلی روستای ایبانه کاشان نقش این گردونه کنده کاری شده است. نشانه آریایی سواستیکا بر آثار تمدن های کهن از ایران و چین و هند و ژاپن تا اروپای عصر مفرغ و آمریکا سرخپوستان نخستین بر جا مانده است. زادگاه این نگاره را با احتمال قریب به یقین آسیای مرکزی دانسته اند و کهن ترین نمونه آن در ایران در آثار هزاره پنجم و چهارم پیش از میلاد مسیح در شوش پیدا شده است. نقشمایه فوق در صورت اولیه خود به حالت مدور و یا چهار گوش و شکسته به کار می رفته است. کاربرد آن در بافته های قالی بافان فارس می تواند اشاره ای رمزی باشد به مرکزیت خورشید در تمدن ایران باستان.

گل هشت پر از دوران های تاریخی نخستین مظهر خورشید و آفتاب بوده است. این نگاره از زمان قالی پازیریک به صورت بی کم و کاست با گل های یک در میان سفید و سیاه کاربرد داشته است.

گل هشت یا دوازده پر ساده و یک رنگ از دوران تمدن سکایی و ماد و هزاره دوم پیش از میلاد در ایران وجود داشته است. اگر گل دوازده پر هزاره دوم پیش از میلاد را نشانه پذیرش سال خورشیدی و دوازده ماه سال بدانیم، گل هشت پر دو رنگ می تواند نماینده چهار فصل و تمایز آنها از یکدیگر باشد و پدیده ای رمزی از عدد چهار که از اعداد نیک بوده است. اشکال شطرنجی از دوران های پیش از تاریخ نماد تلالو آب و کوهستان های آبخیز بوده اند و به خصوص این نقش بر سفالینه های شوش، پارسه و نهاوند تصویر شده است. آرایه های ترنجی که به غلط به آن رتیل می گویند، نمادی است از ماه که به مرور زمان به نماد آفتاب مبدل شده است. این نقوش قدمتی پنج هزار ساله داشته و به تدریج با کمترین تغییر انتهای بازوان آن چرخش پیدا کرده. نگاره چهار سوی این نقش ساختار نماد نظام ماه است که بعدها خورشید جای آن نشست.

آیین مهر

در آیین مهر این نشان را گردونه مهر می نامند که آمیزش چهار عنصر اصلی آب ، باد ، خاک ، آتش را می رساند. گردونه مهر یا گردونه خورشید که به چلیپای شکسته نیز مشهور است ، نماد و نشانواره بسیار کهنسالی ست که آن را به قوم آریا و سرزمین ایران نسبت می دهند ، هرچند که یافته های باستان شناسی در زمینه ی پیشینه ی گردونه ی مهر بسیار اندک و تفسیر پیرامون آن بسیار دشوار است ، اما از همین یافته های نادر باستان شناسی می توان چنین برداشت کرد که گردونه ی مهر نمادی مختص ایرانیان باستان بوده و به احتمال قریب به یقین ، این نشانواره از نمادهای آیین مهری یا میترایسم بوده است . آیینی که پیش از ظهور زرتشت در ایران رواج داشته و پس از تولد دین زرتشت نیز همچنان موقعیت خود را حفظ نمود و در دین

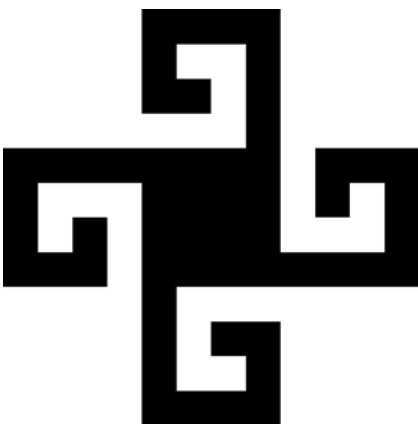
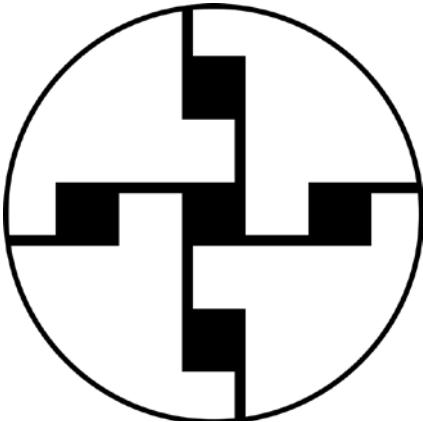
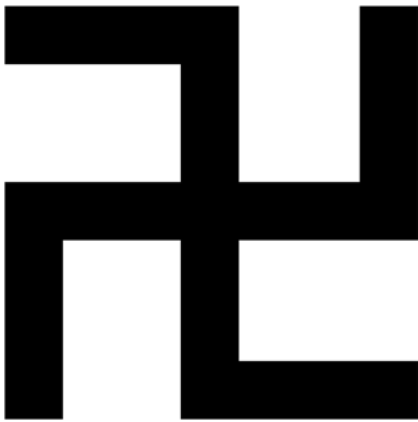


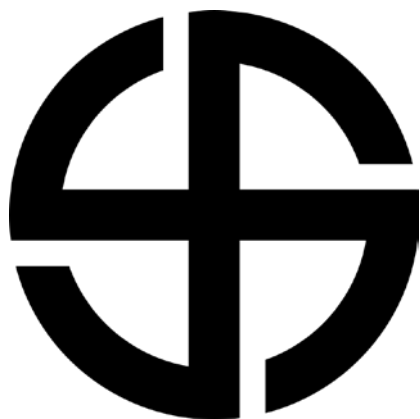
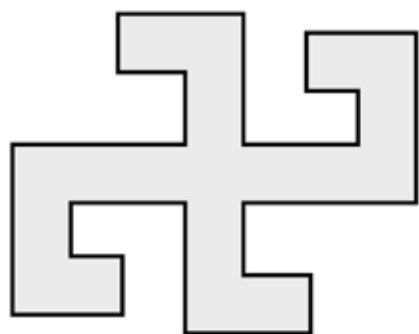
زرتشتی نیز نفوذ یافت و بعدها (حدوداً در سده یکم پیش از میلاد) به غرب آسیای صغیر گسترش یافت . خصوصاً ورود آیین مهر به روم و اروپا کاملاً محسوس است ، چنانکه دستاوردهای باستان شناسی در این زمینه این امر را تأکید می کنند . البته این در حالی ست که پس از قدرت یافتن مسیحیت در اروپا و رقابت سرسختانه ی دین مسیحیت با آیین مهرپرستی ، سرانجام مسیحیت در اواخر قرن چهارم میلادی بر دین میتراپیسم چیره شده و در این میان آثار باستانی مهری بسیاری توسط مسیحیان نابود شده و یا تغییر شکل یافتند . گرامی داشت نماد گردونه ی مهر ، ریشه ای بس کهن دارد . گروهی از محققان بر این باورند که این نشانواره نمادی از خورشید است که به مرور تغییر شکل داده شده . گروهی نیز بر این باورند که در جامعه های آغازین ، مردم به نماد چلیپا چون مظهر آتش ، احترام می گذاشتند و این نماد ، نقشی از ابزار ابتدایی برای بدست آوردن آتش بود . ذکر یک تاریخ و مفهوم دقیق و حتی ذکر یک تاریخ حدودی پیرامون زمان پیدایش گردونه ی مهر بسیار دشوار و دور از دست است . این امر دلایل گوناگون دارد .

یافته های باستان شناسی پیرامون گردونه ی مهر ، هر چند که اصالت آن را به سرزمین ایران نسبت می دهند اما در بسیاری از نقاط جهان و با قدمتی بسیار دور نیز مشاهده می شوند . در بسیاری از تمدن های باستانی کهن ، این نماد مشهود است و نیز در سرزمین های بسیار دور نیز مشاهده شده . علاوه بر آن یکی از دلایل آنکه مفهوم گردونه ی مهر به درستی در متون و لوح های باستانی ذکر نشده آن است که آیین مهر ، آیینی بسیار راز آمیز بوده و پیروان آن ، مفاهیم آیینی را به صورت یک راز به نسل های بعدی منتقل می کردند . از این رو نه تنها مفهوم گردونه ی مهر ، بلکه بسیاری از آداب و رسوم و باورهای مهری (میتراپی) نیز در پرده ای از ابهام نهفته است و معدود اطلاعاتی که امروزه در دست است از تفسیر تصاویر به جای مانده بر مهرابه های میتراپی و مختصر متون قدیمی به جای مانده استخراج شده .

این در حالی ست که بسیاری از مسیحیان و مخالفان آیین مهر در اروپا ، علاوه بر تخریب و نابودی آثار مهری ، متون مهری کاذب و دروغینی نیز بر جای گذاشتند تا وجهه ی دین مهری را در نزد عوام و آیندگان خراب جلوه کنند . آنچه در میان تفاسیر مختلف پیرامون معنا و مفهوم گردونه ی مهر مورد توجه می نماید علاوه بر مفهوم نماد خورشید ، مهر و آتش ، اشاره ی این گردونه به آخشیش های چهارگانه (آب ، آتش ، خاک و باد) است که ممکن است نشانواره ی گردونه ی مهر به معنای آن باشد همانگونه که ذکر شد این نماد در بسیاری از تمدن های کهن یافت شده و نیز در بسیاری از فرهنگ ها و باور ها راه یافت .

در یونان در عصری عالم را ترکیبی از عناصر چهار





دین‌های باستانی ایرانیان بود که بر پایه ایزد ایرانی مهر و دیگر ایزدان ایرانی بنیاد شده بود. مهرپرستی در حدود بیش از ۵۰۰۰ سال پیش در میان ایرانیان ساکن دشت مغان به وجود آمده. سالروز تولد مسیح که معادل با شب یلدا سالروز تولد میترا است و بنا به

دلایل تقویمی (اشکال تقویم رومی‌ها در محاسبه کیسه) جا به چه شده است و حتی نام مسیح برای عیسی پسر عمران از همین آیین گرفته شده. چلیپا یا گردونه مهر که نماد اصلی ترسایی (مسیحیت) صلیب، برگرفته از آن است نماد دیگری از زایش دوباره آیین مهری در دل ترسایی (مسیحیت) است. این نیز چون غسل تعمید، نشان و رسمی بوده از کیش میترا. در یکی از مهرابه‌های اروپا، برابر پای میترا یک ماهی نقش شده و این رمز و نشان مسیحیت، نشانه‌ای است از کیش میترا. بسیاری از رموز و اسرار میترا برخلاف آنچه مشهور شده، اصل و بنیان ایرانی خود را حفظ کرده است. آنچه امروزه به نام غسل تعمید میان مسیحیان متداول است مانند بسیاری از مراسم و آداب دیگر، از آریاها اقتباس شده است.

گانه (آب، باد، خاک و آتش) ذکر کرده اند و با بیان این مطلب باید دانست که این علامت در یونان باستان نیز سابقه دارد. چون هنر ایران و یونان متقابلاً در یکدیگر تأثیر گذارده اند و بنا به نوشته گیریشمن "هنر ایران بخصوص نواحی سیلک لرستان تأثیر زیادی در هنر یونان بخشیده است و سابقه نقش چلیپا در ایران قدیمی تر از (۵۰۰۰) سال پیش از میلاد است به احتمال قوی این علامت از ایران به یونان رفته و ارزش سمبولیک پیدا کرده است."

با توجه به اینکه نشانه چلیپا به شاهین و فروهر هم بسیار نزدیک است، می توان پنداشت در زمانی که از اهمیت مهر کاسته شد، نشانه مقدس میترا بیسم رفته رفته به شاهین مبدل شده و شاهین و نگاره فروهر تمام جاذبه معنوی و روحانی این نشانه را گرفته و مظهر فر و شکوه معنوی گردیده است.

مهر پرستی یا آیین مهر یا میترائیسم از



گردونه مهر در ایران باستان

بسیاری از صاحبان نظران بر این باورند که منشاء این نشانواره نزد قوم آریا بوده ، قومی که بیشتر در قسمت های غربی ایران سکنی گزیده بودند و تمدن های شگفت آوری را موجب شدند . در مورد خاستگاه این قوم جنجال بر انگیز ، صاحب نظران و محققان نظریات بسیاری ارائه داده اند . آریایی ها به صورت دو شاخه ی غربی و شرقی در فلات ایران منتشر شدند که از مهمترین آنها مادها و پارس ها می باشند . آریایی ها نخستین پادشاهی جهانی را تأسیس کردند . گردونه ی مهر نشانواره ای است بس کهن که زادگاه و ریشه های آن بوضوح مشخص نیست و در اکثر تمدن ها و فرهنگ های باستانی خود را نمایانده است . آنچنان که مشهود است ، این نشانہ نخستین بار در خوزستان با قدمتی پنج هزار ساله دیده شده و گواه بر این است که ریشه ای عمیق و ژرف در باورهای ایرانیان داشته . نشانواره بر روی تکه سفالی که توسط باستان شناسان بدست آمده مشهود است . در شهر سوخته نیز مهرهایی از جنس مرمر ، لاجورد ، مفرغ و استخوان و سفال کشف شده که بر روی برخی از این مهرها با قدمتی حدود پنج هزار سال ، این نماد دیده می شود .



گردونه مهر (خورشید) دو رنگ در موتیف های ایران





گردنبند زرینی که سه چلیپ در کاوشهایی که در سال ۵۶-۱۳۵۵ خورشیدی در شهر رودبار گیلان به دست آمده که مربوط به هزاره ی اول قبل از میلاد



This Iranian necklace was excavated from Kaluraz, Gilan, first millennium BC, National Museum of Iran.

در هزاره ی چهارم قبل از میلاد در تل باکون مردوشت فارس آوندهای سفالین ، سفالینه های شکسته و منقوش نیز این نشانواره را بر خود دارند . در حفاریهای باستان شناسانه در گیلان فسا در استان فارس، ظرف سفالین قرمز رنگی مربوط به هزاره چهارم قبل از میلاد بدست آمده که طرح این نماد را بر روی آن می بینیم . این نشانواره را در تپه سیلک کاشان ، یکی از شاخص ترین تپه های پیش از تاریخ ایران بر روی ظرفی سفالی که قدمتش به هزاره ی اول قبل از میلاد می رسد و همچنین بر روی یک کوزه از همین تپه نیز می توان دید .

جام زرینی در کلاردشت در سال ۱۳۱۸ خورشیدی به دست آمده که بر روی آن پیکره ی شیری را مشاهده میکنیم که بر روی کپلش چلیپای شکسته مشهود است . لازم به ذکر است که شیر در نزد آریاییان مقام بالایی داشته و دارای عظمت بوده و نیز یکی از مظاهر آیین مهری نیز محسوب می شده . کاسه زرین زیبایی در کاوشهای تپه ی حسنلو واقع در جنوب ارومیه کشف شده که این کاسه نیز پیکره ی شیر و شیربان را نشان می دهد و جالب آنکه دوباره در اینجا بر روی کپل شیر ، نشانواره دیده می شود . گردنبند زرینی که سه چلیپا را در خود نشان می دهد ، در کاوشهایی که توسط آقای شهیدزاده در سال ۵۶-۱۳۵۵ خورشیدی در شهر رودبار گیلان به دست آمده که مربوط به هزاره ی اول قبل از میلاد می باشد . همان طور که مشخص است این نشانواره از دوران های مختلف گذر کرده . در گرمی آذربایجان گورهایی به صورت خمره مانند یافت شده که در میان آنها تکه پارچه ای با طرح چلیپای شکسته مشهود است .

در همین دوران و همین مکان تکه سفالی از یک خمره بدست آمده که بر سطح آن ، نشانواره را به صورت برجسته مشاهده میکنیم . هم اکنون این تکه سفال در موزه ی ایران باستان حفاظت می شود . این نشانه تنها بر سطح ظروف سفالین و زرین و اشیاء زرین و تکه پارچه ها مشهود نیست . این نشانواره بر روی سکه های باستانی نیز مشهود است از جمله سکه مهرداد دوم که ۳۸ سال سلطنت کرد و اشک نهم . در آن دوران نیز نشان چلیپای شکسته را بر روی گردنبند ها تصویر می کردند و این مطلب زمانی روشن می شود که ما به آویزه ی گردنی از جنس عقیق که از جوبن گیلان یافت شده بر می خوریم که در سال ۱۳۴۵ خورشیدی به دست آمده .

در ویرانه های کاخی در کوه خواجه سیستان که قدمتی طولانی دارد و مقر فرمانداری اشکانیان بوده و دارای گچبریهای زیبایی است ما شاهد

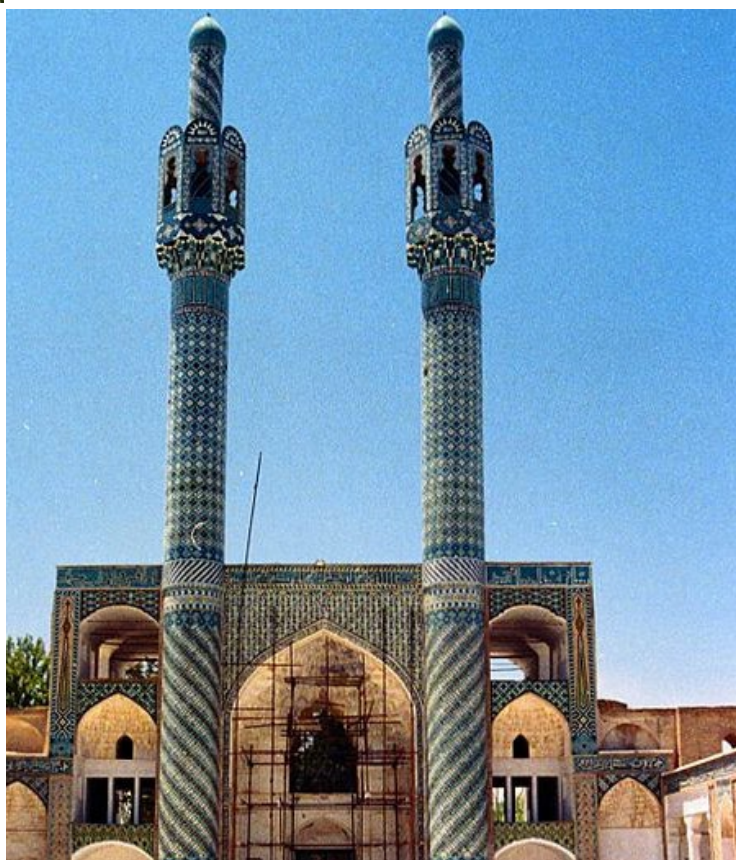


نماد چلیپای شکسته هستیم. بر روی کلاه اردشیر ساسانی، بینانگذار شاهنشاهی ساسانیان در پارس نیز نشانواره مشهود است. در ویرانه های کاخی در بیشابور مربوط به ساسانیان چلیپای شکسته حضور دارد و نیز در گچبریهای قلعه ی یزد گرد که از جزیره ی کیش به دست آمده و کاخ تیسفون در عراق امروزی. نشانواره بر سکه ی سیمی که در موزه ی بریتانیا نگهداری می شود و به پاکه (فرمانداری پارسی که قبل از پیدایش دولت ساسانی فرمانروایی می کرده) تعلق دارد، دیده می شود. همچنین بر روی سکه ی بهرام، سکه ی نرسی پسر شاپور که این سکه ها با نام شاهنشاه در شهرها ی ایران ضرب می گردیده اند. آوند پایه دار سفالینی متعلق به ۳۵۰۰ قبل از میلاد در بررسی های ۱۳۱۰ خورشیدی از تپه ی باستانی حصار دامغان یافت شده که چلیپا را نشان می دهد. گردونه ی مهر در بسیاری از آثار مشابه بدست آمده توسط باستانشناسان در طول تاریخ دیده می شود. این نماد حتی در نگاره ها و معماری مذهبی پس از اسلام نیز مشهود است. مقبره شاه نعمت اله ولی در ماهان کرمان دو مناره دارد که تمام آن با چلیپا تزیین شده است

مقبره شاه نعمت اله ولی

این صلیبها دو رنگ اند، یکی سفید و دیگری سیاه

مناره باغ قوشخانه اصفهان با صلیب های مجوفی که در صلیب های شکسته ادغام شده اند تزیین شده است. ترکیب چلیپا و چلیپای شکسته به عنوان یک واحد تزیین حاصل تفکری هنرمندانه است. آرامگاه شیخ صفی الدین در اردبیل کاشی های تزیینی فراوانی دارد. در قسمت بالای این تصویر یک پیکان سیاه در زمینه سفید دیده می شود. این پیکان اضافه شده است تا چلیپای خطی سیاه که در بین دو چلیپای شکسته سفید قرار گرفته نمایان شود.



گردونه مهر در سرزمین های دیگر

چلیپای شکسته علاوه بر ایران در بسیاری از اقوام و ملل دیگر نیز مشهود است که گاه تاریخ آن بسیار کهن می باشد. نشانواره در نزد اقوام و سرزمین هایی نظیر مصر (از دوره ی بطمیوس به بعد) ، هندوستان ، چین ، رم ، ژاپن ، آشور در شمال عراق ، انگلستان ، ایسلند ، لیتوانی و آلمان و در ملت هایی چون سرخ پوستان امریکایی ، بوداییان ، اسکانندیناوی و تیوتنی ، سامی ، هیتیت ها و ... حضور داشته و در اماکنی چون آنوردیک عشق آباد ، اوزکند ، آرامگاه یوسف فرزند قیصر (نخجوان) ، مدرسه ی میرعرب ، مدرسه ی کاراتای (ترکیه) ، آرامگاه خواجه عبدالله انصاری (افغانستان) و ... حضور داشته و دارد . مورد باستان شناسی بسیار جالب توجه و شگفت آوری نیز پیرامون این نماد در دهکده ای به نام مزین در اکراین یافت شده که در آن نماد بر روی عاج یک ماموت دیده شده . البته هنوز مشخص نیست که آیا این عاج در سبیری به دست آمده و در همان زمان ماموت ها نشانواره بر روی آن حکاکی شده و یا بعدها توسط افرادی دیگر این نماد بر روی آن به تصویر در آمده . به هر حال تاریخ نماد حکاکی شده بر این عاج به وضوح مشخص نیست .

گردونه ی مهر نزد اقوام غیر ایرانی معانی و مفاهیم



نقشمایه هشت بازوی کردی

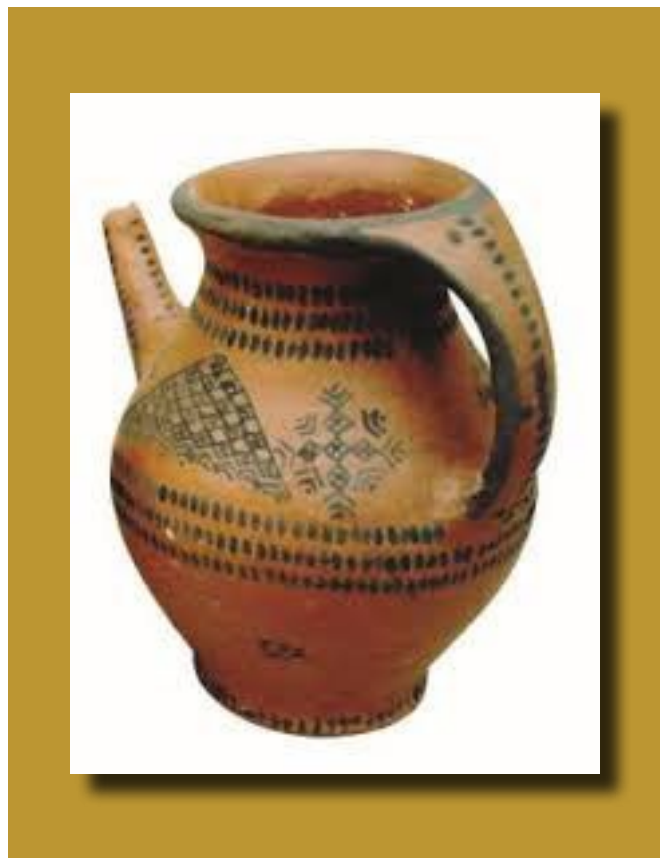


شبکه خورشید آریایی در دوره ساسانی



مختلفی داشته از جمله : ۱- نماد الوهیت
 ۲- چهرار عنصر اصلی (آب ، باد ، خاک ، آتش)
 ۳- زندگانی طولانی ۴- حرکت آب ۵- هست و نیست ، بود نبود ، بست و گسست
 ۶- یک پیکره ی قرار دادی انسان با دو دست و دو پا ۷- دور کننده ی چشم زخم و اهریمنان و نیروی درمان بخش ۸- دو ترکیه ی بر هم نهاده برای روشن کردن آتش ۹- نگاره مثبت و دارنده ی بار مثبت و سازنده ۱۰- نمودار پرواز ۱۱- دوکهای نخ ریسی آغازین ۱۲- خورشید ۱۳- نماد ستارگان و... این احتمال وجود دارد که ریشه ی معانی و مفاهیم چلیپا در اقوام گوناگون در نزد قوم آریا باشد دستاوردها نتیجه ای. در این میان ، بنابر گزارشات و شواهد به دست آمده خالق احتمالی این نشانواره در رده ی نخست ، آریاییان هستند

گردونه مهر در هند



گردونه مهر در چین و ژاپن

چلیپای شکسته در چین با نام باستانی وان داری تاریخی کهن است. این نماد بیشتر در آیین دائو تجلی یافت. دائو یا تائو از آیین های باستانی چین محسوب می شود که بنیانگذار آن را شخصی به نام لائوزه به معنای استاد پیر می دانند، گویی که گروهی از تاریخ دانان وی را شخصیتی خیالی و افسانه ای می پندارند. لائوزه حدوداً همدوره ی کنفوسیوس بود، اما از زندگی و تعلیمات وی اطلاعات بسیار مختصری در دست است که صحت آنها هنوز در پرده ای از ابهام است. تنها اثر مکتوب به جا مانده از استاد پیر، کتابی تحت عنوان دائود چینگ می باشد که نویسنده ی آن را لائوزه می دانند. بنیانهای فلسفی آیین دائو بر تعادل و تعامل میان دو نیروی بین و یانگ استوار است. بین نماد نیروی زنانه، زمین، روشنائی و ... می باشد که در مقابل یانگ یا نیروی مردانه، آسمان، تاریکی و ... قرار دارد. دائو گرایان بر این باورند که این دو نیرو در جهان هستی در گردشند و این گردش بر اساس قوانین طبیعت

چلیپای شکسته در هند سواستیکا یا سواستیکا (سانسکریت) نامیده می شود. این نماد در باور هندیان نماد است از حرکت خورشید، نیک بختی و افزونی. در گروهی از اماکن مذهبی هند، چه در گذشته و چه در زمان حال، سواستیکا مشهود بوده و ریشه هایی بسیار کهن دارد. در شماری از نگاره های کف پای بودا متعلق به سده های قبل و بعد از میلاد، این نشان به کار می رفته و در آیین بودا نیز کاربرد یافته است. چلیپای شکسته در آیین جینسیم نیز حضوری محسوس دارد. بسیاری از جینیست ها، این نشان را بر سر در خانه های خود نقش زده و بر این باورند که سواستیکا دارای نیرویی ست که خوشی، برکت و ثروت را به ارمغان می آورد. به طور کل، سواستیکای راست گرد در هند نماد است از خورشید، روشنائی، خوشی، بهار و تابستان و در مقابل، سواستیکای چپ گرد نماد تاریکی، شب، وحشت، جادو، پاییز و زمستان است.



صور می گیرد . در این میان ، طبیعت و هستی خود پیرو دائوست . گردونه مهر در فرهنگ و آیین های چینی حضور یافته و مفاهیم جدیدی را در بر گرفت . چلیپای شکسته ی راست گرد نماد است از یانگ و چپ گرد ، نماد یین . رنگ های این نشانواره نیز در چین معانی و مفاهیم ویژه ای داشت ؛ رنگ سبز نماد برکت در کشاورزی ، آبی مظهر برکت آسمانی ، قرمز نماد برکت قلب بودا و زرد نمودار خوشبختی و نیک فرجامی . بنابر گزارشات تاریخی ، امپراتور یس چین با نام وو در زمان دودمان تان ، چلیپای شکسته را به عنوان نماد و سمبلی از خورشید مقرر کرد . این نماد در چین مفاهیمی نظیر تداوم ابدی بدون آغاز و انجام ، تجدید ابدی حیات ، تکامل و تعالی ، حرکت بر طبق قاعده و قانون ، طول عمر ، برکت ، طومار رعد و ... را در بر دارد . چلیپای شکسته از چین به کره و سپس به ژاپن راه یافت و در زبان ژاپنی با نام مانجی شناخته شد . این احتمال وجود دارد که نشانواره از طریق ورود آیین بودا به ژاپن راه یافته ، هر چند که این نظر نمی تواند قطعیت کامل داشته باشد . در هر حال در ژاپن ، عموماً چلیپای شکسته نمادی ست از معابد بودایی و آیین بودا . در حالت کلی هر دو جهت گردش نشانواره در ژاپن معانی و مفاهیم سازنده و خجسته ای را در بر دارد . گردونه ی چپ گرد با نام توموته مانجی نمادی است از عشق و رحمت و گردونه ی راست گرد یا یورا مانجی نمادی از بصیرت ، آگاهی و قدرت .



گردونه مهر در یونان باستان



گردونه مهر در ارمنستان



گردونه مهر در افریقا



و شاید نشان از هم آغوشی آیین دائو و آیین بودای چین داشته باشد. معنای دیگر چلیپا در آیین بودا که صرفاً یک گمانه زنی شخصی است آن که ممکن است این نماد نقطه‌ی اتصال بودا و قوم آریا باشد. هر چند که این نماد در بسیاری از نقاط جهان و بسیاری از فرهنگ‌ها و اقوام یافت می‌شود اما نکته‌ی قابل توجه آن است که به ندرت چلیپای شکسته بر روی بدن تمثال‌ها به تصویر آمده و عموماً در کنار دیگر موضوعات جای گرفته و یا به صورتی مجزا و با اشکال گوناگون ترسیم شده. این که آیا بودا از اقوام آریایی بوده یا نه صرفاً یک گمانه‌ی ابتدایی پیرامون این مسئله می‌باشد که نیازمند بررسی‌های گسترده است. استفاده از نشان چلیپای شکسته در تمامی تمثال‌های بودا عمومیت ندارد

نشان گردونه مهر در آیین بودا دارای مفاهیم متعددی است؛ از جمله چهار نشانه، چهار حقیقت عالی، به گردش در آوردن چرخ آیین، رفتن راهبان و آموزگاران به چهار گوشه‌ی هند و جهان، در چرخش بودن نظام طبیعت و چهار عنصر، که نماد است از فنا پذیری و عدم پایداری موجودات و ... در این میان دو تفسیر، بسیار جالب توجه است. نخست آنکه این نماد را راز پنهانی آیین بودا می‌نامند. عمق آیین بودا و تجربه‌ی بوداگی صرفاً یک تجربه‌ی انحصاری است، غیر قابل انتقال و غیر قابل تفسیر و توضیح و یا شاید این نماد به مفهوم دیگری اشاره دارد که باید آن را کشف کرد. دومین مفهوم و معنا که عمومیت بیشتری دارد آن است که چلیپای شکسته نمادی است از قلب بودا، به همین علت در تمثال‌ها، نشان چلیپا بر روی سینه‌ی برهنه‌ی بودا ترسیم می‌شود و به مهر دل بودا مشهور است. این نشانواره بیشتر در تمثال‌های بودا در چین دیده می‌شود



گردونه مهر در کرواسی



گردونه مهر در اسپانیا



گردونه مهر در دانمارک

اما این نشان در بسیاری از معابد بودایی جهان و شماری از تمثال‌ها و نگاره‌ها مشهود است. همانگونه که در ژاپن این نشان، نمادی از آیین بوداست. این نشانواره خود از اسرار آمیزترین نمادهای جهان بوده و بسیار جالب است که بوداییان بار دیگر آن را به صورت یک راز معرفی می‌نمایند. این نماد علاوه بر تمثال‌های بودا، گاه در نگاره‌ها و پیکره‌های دیگر افراد آیین و بودی‌ستوه‌ها دیده می‌شود. از جمله خدا بانوی رحمت، بودی‌ستوه، گوان‌یین که در چین محبوبیت بسیاری دارد. گردونه‌ی مهر در آیین بودا، نشانی ست از تداخل و تعامل بسیار پیچیده‌ی فرهنگ‌ها، باورها و تاریخ جهان باستان که گوشه‌های بسیاری از آن، در پرده‌ای از ابهام نهفته است.

گردونه مهر در روسیه



مسجد جامع یزد



اما سواستیکا و گردونه مهر آریای در فرهنگ اسلامی و ایرانی که بعد از دوره غزنویان بسیار مورد توجه واقع است . از همان زمان غزنویان گردونه مهر آریایی راه خود را در مساجد باز کرد این نماد بسیار زیبا که با جدا کردن تکه هایی از آن کلمه زیبایی علی به دست می آید مورد توجه روحانیون اسلامی و حتی زرتشتی قرار گرفته بود . برخی در دوره های صفوی و غزنوی این نماد را حلقه گم شده ی میان اسلام و مزدیسنا می دانستند . این نمونه های زیبا را بر سر ورودی مساجد شهرهای ایران از جمله مسجد زیبا و قدیمی شهر یزد می توان یافت .

پایان



– شال و روسری ابریشمی نقاشی شده با دست (باتیک) WWW.ARTIRANI.COM
– کراوات های نقاشی شده
– مانتو های باتیک

به مناسبت ۴۰ بهمن ماه سالروز تولد استاد بزرگ میناتور ایران

استاد محمود فرشچیان

موضوع این تابلو بازگشت اسب بی سوار امام حسین (ع) به سوی خیمه گاه در عصر عاشورا است

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان هنری عناصر این تابلو به حدی ماهرانه و در ارتباط نزدیک با یکدیگر قرار گرفته‌اند که از آن اثری زیبا و تاثیرگذار ساخته‌اند. استفاده از رنگ های تیره در کنار حالت زنان و دختران عزادار و اسب امام حسین (ع) تصویری را ساخته که حزن و اندوه واقعه را به خوبی به مخاطب القا می‌کند. فرشچیان این تابلو را در ۱۳۶۹ خورشیدی به موزه آستان قدس رضوی اهدا کرد

استاد فرشچیان در مدتی کوتاه از ناحیه دست راست دچار فلج شد، به طوری که نمی توانست انگشتانش را حرکت دهد. او خود در این باره می گوید: «پزشکان حاذق و پراوازه هم تشخیص دادند که به مرور زمان و فشار زیاد عصب های دستم به شدت آسیب دیده و به راحتی قابل ترمیم نیست و تاکید کردند هرگز نباید قلم به دست بگیرم و نقاشی کنم. دلم خیلی شکست که دیگر توان خلق اثر و نقاشی را ندارم، تا اینکه به ذهنم رسید از امام رئوف، حضرت رضا (ع)، درخواست کنم کمک کنند تا این بیماری علاج شود و همان لحظه نذر کردم که اگر دستم بهبود یافت، ماجرای شفاعت و ضمانت آهو را به تصویر بکشم.» در این تابلو همه خطوط و نقوش تابلو و عناصر آن متوجه امام رضا (ع) است که در سمت راست بالای تابلو در حاله ای از نور قرار دارد. این اثر هم اکنون در موزه استاد فرشچیان نگهداری می شود و از پرمخاطب ترین آثار این هنرمند است

استاد فرشچیان از جمله هنرمندی است که می توان در شاهکارهای او کردارهای معنوی و دستاوردهای نوع انسانی را یافت. در همین خصوص تعدادی از منتقدان هنر دنیا در مورد او نظریات مختلفی را ارایه داده اند «زینچوک» منتقد و هنرشناس

استاد محمود فرشچیان، در ۴ بهمن ۱۳۰۸ خورشیدی در پایتخت هنر ایران زمین شهر اصفهان چشم به جهان گشود. پدر او یکی از تاجران فرش و هنرمندان قالی باف بود، همین شغل پدر در پرورش استعداد محمود تاثیر بسزایی داشت. پدر محمود فرشچیان که نماینده فرش



اصفهان بود، او را به کارگاه نقاشی میرزا آقا امامی برد او تحصیلات مقدماتی خود را نزد میرزا آقا امامی هنرمند چیره دست اصفهانی گذراند و از همان دوره به آموختن نقاشی علاقه مند شد و دل در گرو نقش های زیبا بست و به کار هنر روی آورد. فرشچیان از پایه هفتم دبیرستان، قدم به هنرستان هنرهای زیبای اصفهان گذاشت و چهار سال در آن جایگاه، زیر نظر استاد عیسی بهادری، استاد نابغه و توانمند نقاشی قالی، نگارگری و نقاشی رنگ و روغن، به فراگیری اصول و مبانی طراحی نقوش سنتی پرداخت. فرشچیان در بیان احساس و تجسم شعرگونه عواطف، به شیوه ای کامل و جدید، به هماهنگی و همگامی میان مضمون، محتوا، شکل و فرم نقاشی هایش موفق شد و این مشخصه اصلی کار او . در نقاشی به شمار می رفت

استاد فرشچیان پس از گذراندن دوره هنرستان هنرهای زیبا، به اروپا سفر کرد و چندین سال به مطالعه آثار هنرمندان غربی در موزه ها پرداخت. او خود در این خصوص می گوید: «در موزه های اروپا، نخستین فردی بودم که با بسته ای از کتاب و قلم، وارد می شدم و در نهایت آخر از همه از موزه خارج می شدم

فرشچیان، پس از بازگشت به ایران کار خود را در اداره کل هنرهای زیبای تهران آغاز کرد و به استادی دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزیده شد

استاد فرشچیان صاحب سبک جدیدی در نگارگری ایرانی بود. طراحی و شناخت و به کارگیری صحیح رنگ ها و قدرت قلم او باعث شهرت آثارش شده است. برای خلق اثرهای خود از ادبیات عرفانی و باورهای مذهبی الهام می گیرد و به هنگام نقاشی اغلب به موسیقی گوش می دهد. او در طراحی، شناخت و به کارگیری رنگ ها، دارای تبحری فوق العاده است تابلوهای «یتیم نوازی، عصر عاشورا، حضرت علی اصغر(ع)، نیایش، یارب، اولین پیام، پنجمین روز آفرینش، توسل، ضامن آهوی ۲، کوثر و رمی جمرات» از جمله آثارهای به یاد ماندنی این استاد بزرگ به شمار می رود که آن ها را به موزه حضرت رضا(ع) اهدا کرده است

معروف ترین تابلویی که فرشچیان را با آن می شناسند، تابلوی «عصر عاشورا» است که در رابطه با واقعه عاشورا به تصویر کشیده شده و



«موزه ت. ج. شوچنگو در اوکراین، درباره آثار استاد فرشچیان می گوید: «گام نهادن در جهان شخصیت های آثار شما اندک اندک سختی های دنیوی انسان ها را از یاد می بریم. جهان های ما کم کم از بیهودگی تباهی پذیر جنجال های روزمره آسوده می شد و آن گاه شخصیت های آثار شما درخشان تر و روزش تر دیده می شدند و سرانجام در پاکی و شفافیت چون پرتو آفتاب می گشتند. به یادبود خاطره دل نشین هنرتان، تابلوی بسیار زیبای "طبال دوردست" شما را با خود داریم که در مجموعه ما و در کنار میراث خلاقه ت. ج. شوچنگو نابغه پرفسور فرانسیس ریشار، سرپرست بخش هنرهای اسلامی موزه لاور می گوید:

هیجان شدیدی در خود احساس می کند و از همان اولین لحظه در می یابد که فرشچیان هنرمندیست که گرچه همه اصول و منابعی را که استادان پیش از او می دانسته اند چگونه از آن بهره برداری کنند، عمیقاً و به خوبی می شناسد. که فرشچیان را یکی از اساتیدی ساخته است که هرگز کسی از لذت بردن و دگر دیسی ماتسورا» مدیر کل یونسکو، درباره آثار فرشچیان می گوید: «فرآیند»

به کار می گیرد تنها با حدس و گمان دریافته نیست. او از سنت های متنوع و پربار و سرشار فرهنگ ایرانی سود می جوید و همزمان خلاقانه به جهان معاصر نیز می پردازد. او خاطره های دیرین و میراث سرزمین خود را فرامی خواند تا در گنجینه اندوخته های خویش را بگشایند و در ضمن از تازگی و ارتباط بی واسطه زمان حال نیز برخوردار می جوید. استادی او استاد افسونگریست که گذشته و حال و آینده را در جلوه گاهی شکوهمند و والا فارغ از قید زمان «به هم می آمیزد

استاد محمود فرشچیان که امروز بیش از ۹۰ سال از عمر گران بهایش می گذرد. برخی از آثارش توسط وزیران امور خارجه ایران به پاریس و نیویورک و شیکاگو و سفرای خارجی اهدا شده است. به وی در سال ۱۳۹۳ نشان افتخار جهادگر عرصه فرهنگ و هنر اهدا شد و فیلم مستندی نیز با عنوان "عشق برداز" به کارگردانی حمید کاویانی در نکوداشت او ساخته شده است که در آیین رونمایی کتاب پنجم او با صدای زیبا بروفه و پرویز پور حسینی به نمایش درآمد محمود فرشچیان سه فرزند یک پسر و دو دختر دارد. پسر ایشان علی مراد فرشچیان در ایالت آمریکا مشغول طبابت می باشد و دخترانشان فاطمه و لیلا هر کدام در زندگی می کنند. و به ایران رفت و آمد دارند. دو مجموعه آثار از زندگی و



اولین همایش هم اندیشی آموزش عالی هنرهای سنتی در دانشگاه استاد فرشچیان - خرداد ۹۸

هنر استاد نوشته امیر رضایی نبرد به نامه‌های "نگار جاویدان و در کارگاه خیال" به چاپ رسیده است و از جمله کتابهایی که نقاشی آن توسط استاد کشیده و در دسترس می باشد می توان به "نقاشی برای کتاب شاهنامه فردوسی، نقاشی برای کتاب حافظ، نقاشی برای کتاب عمر خیام" اشاره کرد

موزه استاد محمود فرشچیان که بیش از ۵۰ اثر از او را در خود جای داده است سال ۱۳۸۰ در مجموعه ۱۱۰ هکتاری کاخ سعد آباد افتتاح شد

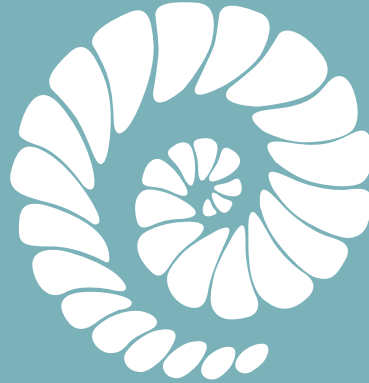
و در ۳۰ مهر ۱۳۹۷ دانشگاه محمود فرشچیان با عنوان کامل «دانشگاه هنرهای اسلامی-ایرانی استاد فرشچیان» به عنوان زیر مجموعه دانشگاه آزاد اسلامی افتتاح شد

تعدادی از جوایز ایشان داخلی و بین المللی ایشان عبارتند
 ۱۳۹۳: نشان افتخار جهادگر عرصه فرهنگ و هنر
 ۱۳۸۰: چهره ماندگار

۱۳۷۹: انضمام نام هنرمند در فهرست روشنفکران قرن بیست و یکم

- ۱۳۷۴: مدال طلای جشنواره بین المللی هنر، آمریکا
- ۱۳۷۲: نشان درجه یک هنر
- ۱۳۶۴: تندیس طلایی اسکار ایتالیا
- ۱۳۶۳: نشان هنر نخل طلایی ایتالیا
- ۱۳۶۳: تندیس طلایی اروپایی هنر، ایتالیا
- ۱۳۶۲: دیپلم آکادمیک اروپا، آکادمی اروپا، ایتالیا
- ۱۳۶۱: دیپلم لیاقت دانشگاه هنر، ایتالیا
- ۱۳۶۰: مدال طلای آکادمی هنر و کار، ایتالیا
- ۱۳۵۲: جایزه اول وزارت فرهنگ و هنر، ایران
- ۱۳۳۷: مدال طلای جشنواره بین المللی هنر، بلژیک
- ۱۳۳۱: مدال طلای هنر نظامی، ایران





SEPANJ STUDIO

www.sepanjstudio.com

استودیو طراحی و برندسازی سپنج



"سپنج" خدمات یکپارچه‌ی خود را با توجه به نیاز مشتریان، از سازمان‌های کوچک و متوسط تا بزرگ به اثرگذارترین شکل ممکن ارائه می‌دهد که شامل موارد زیر است:

- تدوین استراتژی بازاریابی
- بخش‌بندی بازار و تعیین موقعیت کسب و کار و هدف‌گذاری
- برندسازی و طراحی المان‌های برند
- تدوین و اجرای استراتژی پیام
- طراحی و تدوین محتوا و متن تبلیغاتی
- طراحی کمپین‌های خلاقانه بر اساس استراتژی تعیین شده
- هویت‌سازی یکپارچه برای مشتریان بر اساس استراتژی
- دیجیتال مارکتینگ
- توسعه‌ی برند در شبکه‌های اجتماعی
- طراحی گرافیک تجاری، طراحی سایت و تهیه و تولید مستندهای تبلیغاتی



sepanjstudio



sepanjstudio

۰۹۱۲۶۹۳۵۲۹۱



قالیهای محرابی صفویه

نقوش قالی های صفوی در تاریخ اوج هنر فرش بافی ایران را باید در دوران حکومت سلسله صفویان جستجو کرد. در واقع برخی از عالی ترین نقوش قالی های ایران که تنها نمونه های باقیمانده از دوران عظمت این هنر محسوب می شود متعلق به دوران حکومت پادشاهان صفوی است. تحولات بزرگ تمام نقشه های شهری ایران و حتی برخی از نقشه های غیرشهری دوران صفویه را تحت تأثیر قرار می دهد. نقشه های این دوره را می توان بر مبنای حرکت خطوط طرح ها، به نقوش شهری (گردان) روستایی و عشایری (شکسته) طبقه بندی نمود. اما بر اساس ساختار طرح می توان آنها را به گروه های عمده ترنج، افشان، محرابی و... تقسیم نمود و لچک در این میان ساختار محرابی نسبت به سایر طرح ها از قدمت بیشتری برخوردار است. هرچند پیشینه نقوش محرابی به آیین مهر باز می گردد، اما طرح قالیچه های محرابی پس از ظهور اسلام به وسیله مسلمانان ابداع شده است. از صدها سال پیش، نمازگزاران از این قالیچه ها به عنوان زیرانداز استفاده نموده اند. به نظر می رسد محراب و فرم هایی که به طور کلی در فرش ها ویژگی محرابی را دارند، فضای حاکم بر معماری در پیش و پس یکدیگرند. اصولاً آستانه متفاوت است. محراب در تفکر دینی آستانه ای است که انسان را از فضایی ساده به فضایی قدسی رهنمون می شود و این خصوصیت درگاه و آستانه بسان پرده ای در معماری ایران است که هر در، مجازا است که می بایست کنار زده شده و با عبور از آن کل محرابی در فرش به باطنی قدسی راه یافت. ش ایران حکم همان آستانه را دارد. اما آنچه قابل توجه است، عدم استفاده مستقیم از فرم محراب در معماری بر روی فرش است. در نمونه های محراب های دوره صفویه و حتی دوران قبل و بعد آن نمونه ای از فرم محراب های به کار گرفته شده در این مجموعه فرش ها دیده نشده است و واژه محراب در لغت نامه دهخدا به معنی پیشگاه خانه،

صدر مجلس، شریف ترین جای نشیمن و شریف ترین جای در مسجد آمده است و در وجه تسمیه آن گفته شده: «چون طاق آن آلت حرب شیطان است، لهذا محراب نام کردند» (دهخدا، سائیت لغت نامه). علاوه بر موارد فوق، برخی از محققین، چون دکتر حصوری واژه محراب را خانه مهر یا پرستشگاه مهر معنا نموده و معتقدند، پیشینه محراب به دوران پیش از اسلام باز می گردد. بنا به گفته ایشان: «نخستین محراب ها کل گنبد به آیین مهر

تعلق دارند. محراب ها به شکل گنبد آسمان ساخته می شدند و در دو طرف آنها نمادهای طلوع و غروب وجود داشت و تصویر مهر را در حال قربانی کردن گاو در درون محراب حک می کردند» این سنت دیرین با ظهور اسلام، مظهر عبادت و نیایش گردید و به عنوان قبله مسلمانان در مساجد تجلی یافت. خداوند در قرآن، پنج بار از آن یاد نموده و در سوره های آل عمران و مریم، محراب را محل عبادت زکریا یا مریم خوانده است. تیتوس بورکهارت، محقق هنر اسلامی، کارکرد اولیه محراب را انعکاس کلام الهی در نماز دانسته و معتقد است این انعکاس، تمثیل و نشانه حضور اولین سجاده ها به نام «خمرا» معروف بوده که از برگ درختان خرما بافته و با سوزن دوزی تزئین می شدند. قدیمی ترین بافت سجاده در یک مینیاتور ایرانی مربوط به قرن هشتم/ چهاردهم آمده که در آن تصویر حضرت محمد (ص) در حالت بحث و گفتگو طراحی شده است. در این طرح ها معمولاً تزئیناتی از قبیل قندیل،

گلدان و حتی درختچه های کوچک می پوشانند و گاه دو طرف محراب را با ستونهای بزرگی که سقف محراب بر روی آن قرار دارد نشان می دهند. انواع طرح های این گروه عبارتند از: محرابی قندیلی، محرابی گلدانی، محرابی باغی و محرابی درختی و غیره. در فرهنگ اسلامی محراب شکلی دروازه ای است به سوی عالم قدسی است و حال و هوای انسان را در برخورد با خود متغیر می سازد. محراب در فرهنگ های دیگر همچون مسیحیت نیز سبیل مکان قدسی است.

معرفی نمونه های موجود از دوره صفویه

قالیچه های محرابی باقی مانده از دوره صفوی در موزه مترو پولیتن ، موزه ملی ایران ، آستان قدس رضوی، موزه هنرهای اسلامی برلین ، موزه دولتی ترکیه و موزه ملی کویت نگهداری می شود بکری و دیگری در مجموعه یکی در تملك برادران قرار دارند «بارزترین خصوصیت این قالیچه ها، استفاده فراوان از آیات قرآنی است. قسمت فوقانی، کمابیش همیشه پر از کتیبه های به خط نسخ است، چه در داخل قاب همراه است و چه بر روی زمینه حاشیه که معمولا لوحه های خط کوفی چهارگوش (معلی/ بنایی)، همچنین حاشیه های باریک داخلی که ممکن است پهن یافته شده باشند و حاشیه های باریک استثنائاً در قسمت فوقانی سجاده دارای کتیبه بیرونی معمولا در مربع های کوچک است» میان حاشیه هم آیاتی به خط کوفی منقوش است. گنبد متن که محل سجود است در محلی که پیشانی نمازگزار قرار می گیرد نام خداوند بزرگ در کتیبه ای قرار دارد. اطراف و بالای این گنبد را قطعات ابر در داخل آن صفات خداوند نوشته شده است. روی هم رفته طراح در این وسعت کم کوشیده است که هر چه بیشتر از آیات و ادعیه بگنجانند چرا که لازمه چنین قرآنی را متضمن فرش های محرابی می دانند. اصولاً فرشهای محرابی (سجاده ای) سمت وسو دارند و بخش بالایی آنها روبه رو و جلوی بیننده قرار دارد و طرح آنها با تبعیت اجرا می شود. در این نوع فرش ها از انواع خطوط و کتیبه ها برای القای يك فضای قدسی استفاده می شود.



قالیچه محرابی دوره صفوی در موزه مترو پولیتن

قالیچه دوره صفوی در موزه فرش تهران





Artiranj.group | Artiranjgroup



"آرتیرانی" هنر نفیس ایرانی
- شال و روسری ابریشمی نقاشی شده با دست (باتیک)
- کراوات های نقاشی شده
- مانتو های باتیک



عکاس اهری مدال طلا جشنواره بین المللی قرقیزستان را کسب کرد

سعید قاسمی عکاس برجسته اهری با یک اثر عکاسی بنام «رنگریزی سنتی» مدال طلای فیاب (فدراسیون بین المللی هنر عکاسی) از جشنواره بین المللی قرقیزستان را از آن خود کرد.



محصولات هنری و تولیدی اسب "دیار"

#قبول سفارشات اختصاصی شما
#چاپ ماگ #تی شرت #کوسن
#نوع هدایای تبلیغاتی مرتبط با اسب و فرش



برنامه زمانبندی دوره آموزشی بازرگانان و صادرکنندگان فرش دستباف (بهمن 98)

ردیف	روز برگزاری	عنوان درس	سر فصل ها درسی	مدت برگزاری (ساعت)	نام استاد	تجهیزات مورد نیاز
1	روز اول 1398/11/16 8/30-9/30	پذیرش، افتتاحیه و خیر مقدم		1	با حضور رییس مرکز ملی فرش-معاونین- رئیس سازمان -رئیس اتاق- رییس اتحادیه صادرکنندگان -	لپ تاب و ویدئو پروژکتور
2	روز اول 1398/11/16 9/30-11	حمایت از فرش دستباف ایران با استفاده از ظرفیتهای حقوقی موجود در حقوق ملکیت صنعتی در ایام ملی و بین المللی		1.5	مهندس محمد حسن کیانی رئیس مرکز ملکیت معنوی سازمان ثبت اسناد	لپ تاب و ویدئو پروژکتور
3	روز اول 1398/11/16 11-18	مبایلی حضور موفق در نمایشگاهها و بازارهای بین المللی	- آشنایی با تکنیک های اطلاع رسانی و جذب مخاطبان به نمایشگاه به منظور افزایش فروش - آشنایی با شیوه های جدید برگشت سریع سرمایه - آشنایی با شیوه افزایش سفارش پذیری - مهارت آموزی در افزایش سهم بازار - کاربرد تکنیک های جدید فروش در جهت سود آوری بیشتر	3 ساعت صبح 3 ساعت عصر	دکتر محمد حسن صرافقی زاده	لپ تاب و ویدئو پروژکتور
4	روز دوم 1398/11/17 9-14	بازاریابی بین المللی با رویکرد توسعه بازارهای جهانی فرش دستباف	- برنامه های بهبود سازمان فروش - تکنیک های فروش - پیش بینی فروش و بودجه بندی - ارتقاء سطح دانش و مهارت های فروشندگان - ویژگیهای فروشندگان موفق - ویژگیهای فروشندگان ناموفق	5 ساعت	دکتر مازیار میر	لپ تاب و ویدئو پروژکتور
5	روز دوم 1398/11/17 14.30-17.30	برندسازی در حوزه فرش دستباف باهدف توسعه و بقا در بازار	- برند سازی و اهمیت آن در بازاریابی - اثر کشور مبدأ در برند سازی فرش دستباف ایرانی - برند شخصی و تمرکز آن برای ایجاد برند - بهنگاهی در هنر- صنعت فرش دستباف - تشریح هویت برند- تصویر برند- شخصیت برند - استراتژی های کلیدی برند سازی - انتخاب رنگ و اثر بخشی برند تجاری - شکاف کلیدی در انتخاب نام و نشان تجاری مناسب	3 ساعت	دکتر کامبیز طهرانی	لپ تاب و ویدئو پروژکتور

دوره ملی آموزش بازرگانان و صادرکنندگان فرش دستباف

احسان با احتیاج کم ایستاد هم شد با ما

مدیر سین دوره:
مهندس محمد حسن کیانی، رئیس و مدیر سینی در برندسازی و حمایت از فرش دستباف ایران با استفاده از ظرفیتهای حقوقی موجود در حقوق ملکیت صنعتی در ایام ملی و بین المللی

دکتر محمد حسن صرافقی زاده
رئیس حضور در نمایشگاه ها و بازارهای بین المللی

دکتر مازیار میر
بازارهای بین المللی با رویکرد توسعه بازارهای جهانی فرش دستباف

دکتر کامبیز طهرانی
برندسازی در حوزه فرش دستباف با هدف توسعه و بقا در بازار

زمان برگزاری: 16 الی 17 بهمن 1398 (از ساعت 8:30 الی 18)

مکان برگزاری: تهران، حیاطان خالد اسلامبولی (وروا) حیاطان بیست و یکم، شماره 10، طبقه ششم ساختمان شماره 2 اتاق بازرگانی، صنایع، معدن و کشاورزی تهران

کسب اطلاعات بیشتر و ثبت نام: همکاران سینی در برندسازی و توسعه با شماره 021-238311144-4
Email:tehrancarpet94@gmail.com

پایان



CARPET PLUS

دوهفته نامه اینترنتی فرش دستباف

Iranian Visual carpet Magazine